

خودبسندگی در معماری

سویل ظفرمندی^۱، مهدیه کلانتری^۲^۱دانشگاه هنر تهران / sevilzafarmandi@gmail.com^۲دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود / kalantarimahdiye938@yahoo.com

چکیده

خودبسندگی در معماری به معنای تلقی معماری به عنوان یک ارگانیسم زنده به صورتیکه طراحی آن بر اساس سایت و موقعیت قرارگیری آن باشد و طرح هوشمندانه به ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، زیرساختی و اقتصادی پیرامونش پاسخ دهد، موضوع آشنایی است، اما فرآیند رسیدن به آن یا چگونگی شکل‌گیری آن به سادگی قابل فهم نیست. سایت و موقعیت قرارگیری بنا، اقلیم، فناوری، آسایش و موارد بسیار دیگری می‌تواند در خودبسندگی معماری تعیین کننده باشد و درک آن را پیچیده کند. از طرفی ضرورت توجه به بهینگی و استفاده هوشمندانه از منابع محدود موجود مسئله ای است که همواره برای طراحان چالش برانگیز بوده است چرا که ارتباطی غریزی بین انسان و سایر سیستم های زنده وجود دارد که این فرضیه مبنای طراحی زیست محیطی است که متعاقب آن مفاهیمی چون اکو دیزاین، معماری پایدار، و... مطرح شد. امروزه نیز انسان با چالشی مواجه است که شکل تازه‌ای از زیستن را طلب کرده و به باز تعریف فضاهای قابل سکونت می‌انجامد؛ در واقع مسکن‌هایی هرچه پایدارتر که در مدلی ایده‌آل به سکونت‌گاه‌های خودبسندگی ختم می‌شوند. بنابراین هدف این مقاله در کنار ارائه تعریف صحیحی از خودبسندگی که در آن حفظ و مدیریت منابع و استفاده هوشمند از آن مدنظر است، دستیابی به الگوهایی پایدار و خودبسندگی است که این امر با ارائه هفت نوع دسته بندی در مورد خودبسندگی که منجر به دستیابی به شهرها و به طور کلی جوامع انسانی خودبسندگی می‌شود، حاصل می‌شود.

واژه های کلیدی

خودبسندگی-معماری-طراحی زیست محیطی-مسکن-

مقدمه

خودبسندگی چیست و جایگاه آن در معماری چگونه قابل جستجو است؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا معنای "خودبسندگی" جستجو شد. این واژه در فرهنگ لغت فارسی معادل بی نیازی، استغنا، خودکفایی، خودبسایی (vajebyab.com) آمده است. در فرهنگ لغت انگلیسی کمبریج (dictionary.cambridge.org)، توانایی تامین تمامی احتیاجات بدون کمک گرفتن از دیگران تعریف شده

است. در واقع در این نگاه، معماری به عنوان یک ارگانیسم زنده تلقی می‌شود به این معنی که طراحی آن بر اساس سایت و موقعیت قرارگیری آن صورت گرفته و طرح هوشمندانه به ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، زیرساختی و اقتصادی پیرامونش پاسخ می‌دهد. در این بین پرسش‌هایی به ذهن متبادر می‌شود نظیر: آیا می‌توان به تعریف جامعی از سکونت‌گاه‌های خودبسندگی رسید؟ معماری در این سیستم به چه صورت خواهد بود؟ آیا در چنین سیستمی خود معمارها تولید کننده اطلاعات خواهند بود؟ یا شهروندان نیز به جای مصرف معماری، می‌توانند ایجاد کننده اطلاعات آن باشند؟ برای پاسخ به پرسش‌هایی از این دست ابتدا به آغاز تفکر خودبسندگی می‌پردازیم.

آغاز

رشد جوامع بشری را می‌توان آغازی بر تفکر اجتماعات خودبسندگی دانست چرا که محیط پیرامون به علت فعالیت‌های صنعتی و انسانی در معرض آسیب و تهدید قرار گرفته بود. در یک تعریف کلی می‌توان این گونه بیان داشت که زیست بوم‌های خودبسندگی^۱، اکوسیستم‌هایی هستند که غذا و پناهگاه را بدون استفاده از منابع بیرونی، برای انسان و سایر ارگانیسم‌ها ایجاد می‌کنند. حال این زیست بوم‌ها می‌توانند به طور طبیعی و یا تحت هوش انسانی و با الهام از طبیعت ایجاد شوند. در اوایل قرن بیستم مفهوم مسکن بعنوان "ماشینی برای زندگی" رویکرد جدیدی را نسبت به فضای قابل سکونت ایجاد کرد که زمینه‌ساز شکل نوینی از زندگی در عصر ماشین شد. امروزه نیز در قرن ۲۱م انسان با چالش جدیدی مواجه است، چالشی که شکل تازه‌ای از زیستن را طلب کرده و به باز تعریف فضاهای قابل سکونت می‌انجامد؛ مسکن‌هایی هرچه پایدارتر که در مدلی ایده‌آل به سکونت‌گاه‌های^۲ خودبسندگی ختم می‌شوند؛ سکونت‌گاه در این نوشتار به عنوان شبکه‌ای از تک‌واحدهای مسکونی یا به عبارتی مجموعه‌ای از بلوک‌ها است که با توجه به شرایط اقلیمی و منطقه‌ای محدودیت‌هایی را برای هر بلوک منفرد به همراه دارد، حال این واحدهای منفرد تنها در صورتی می‌توانند به خودبسندگی دست یابند که ایزوله نباشند، بلکه تابعی از ویژگی‌های اجتماعی (تعامل کاربر با محیط، تعامل کاربر با کاربر)، فرهنگی (تطبیق

^۲ واژه "سکونتگاه" به دلیل عدم محدودیت در مقیاس در مقابل واژه "خانه" قرار گرفته است.

^۱ Self-Sufficient